

آیا امام حسن علیه السلام بسیار طلاق می داد (مطلق بود) ؟

درآمد

امروزه وهابیون نسبت به وجود مبارک امام مجتبی علیه السلام خرده می گیرند و بر اساس برخی منابع، می گویند ایشان فردی مطلق بود. یعنی بسیار زن می گرفت و طلاق می داد. واکاوی این مسأله آنگاه ضرورت پیدا می کند که بدانیم این موضوع علاوه بر آنکه در منابع آنان انعکاس داشته، در برخی از منابع حدیثی نامور و متقدم امامیه هم به چشم می آید. نوشتار حاضر در نظر دارد با استقصاء از روایات منابع امامیه، پاسخی مناسب از این روایات ارائه دهد.

پاسخ اجمالی

تعداد محدودی از روایات منابع امامیه از کثیر الطلاق بودن امام مجتبی علیه السلام حکایت می کند. دو روایت در کافی کلینی، یک روایت در محاسن برقی و یک روایت در دعائم الاسلام قاضی نعمان مغربی است. پاره‌ای از این دست گزارش‌ها در میراث حدیثی اهل سنت هم بازتاب داشته است. روشن است روایات اهل سنت برای ما قابل قبول نیست به همین دلیل تنها درصدد تحلیل و ارزیابی روایات منابع امامیه بر می آییم. گفتنی است اندیشمندان امامی در مواجهه با این روایات، سه دسته‌اند. بسیاری از آنان قائل‌اند این روایات ساختگی‌اند. صاحب حدائق توقف می کند و پاسخی برای این روایات ارائه نمی دهد.

البحرانی، الشیخ یوسف، (متوفای 1186هـ)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج 25 ص 148، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

برخی در مقام توضیح و شرح این روایات برآمده اند. علامه مجلسی از جمله اینهاست.

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج 21، ص: 96، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - تهران، الطبعة: الثانية، 1404هـ - 1263ش.

پاسخ تفصیلی

نخست متن این گزارش‌ها را می آوریم و پس از بررسی سند به واکاوی محتوای آنها می پردازیم.

گزارش‌ها

یکم :

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمُنْبَرِ لَا تَزَوَّجُوا الْحَسَنَ فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطَلَّقٌ فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ فَقَالَ بَلَى وَاللَّهِ لَنُزَوِّجَنَّهَ وَهُوَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَابْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَإِنْ شَاءَ أَمْسَكَ وَإِنْ شَاءَ طَلَّقَ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الكافي، ج 6 ص 56، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود فرمود: به فرزندم حسن زن ندهید او زیاد طلاق می دهد. مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: آری، به خدا قسم ما به حسن زن میدهیم، در حالی که او فرزند پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله و علی بن ابی طالب علیه السلام است اگر بخواهد نکه میدارد و اگر

نخواهد طلاق میدهد.

سلسله راویان این روایت چهار نفرند که به ترتیب عبارتند از: حمید بن زیاد، حسن بن محمد بن سماعه، محمد بن زیاد بن عیسی و عبد الله بن سنان. راوی سوم و چهارم شیعه دوازده امامی هستند و در نگاه دانشمندان راوی شناس هم مورد اعتمادند. راویان اول و دوم اگر چه افرادی مورد وثوقند اما به لحاظ عقیده، واقفی‌اند. نجاشی درباره حمید بن زیاد می‌گوید:

حمید بن زیاد بن حماد ... کان ثقة واقفا وجها فیهم.

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص 132، تحقیق: السيد موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، 1416هـ.

حمید بن زیاد انسانی مورد وثوق بود. او واقفی مذهب است و در میان آنها دارای جایگاه بود.

همو درباره حسن بن محمد بن سماعه می‌نویسد:

الحسن بن محمد بن سماعه من شیوخ الواقفة ... ثقة وكان يعاند في الوقف ويتعصب.

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای 450هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص 132، تحقیق: السيد موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، 1416هـ.

حسن بن محمد بن سماعه انسانی مورد اعتماد است و در مذهب واقفی اهل دشمنی و دارای تعصب بود.

شیخ طوسی هم درباره حسن بن محمد بن سماعه می‌نگارد:

الحسن بن محمد بن سماعه واقفی المذهب.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای 460هـ)، الفهرست، ص 103، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الأولى 1417

حسن بن محمد بن سماعه واقفی مذهب است.

چنین روایتی در اصطلاح دانش حدیث، موثق است. علامه مجلسی هم ذیل روایت می‌گوید:

الحديث الرابع: موثق.

مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج 21، ص: 96، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1404 هـ.ق.

نکته‌ای را که باید توجه نمود آن است روایاتی را که در سلسله سندشان راویان مورد وثوق غیر امامی وجود دارند، آنگاه مورد پذیرش‌اند که محتوایشان معارضی نداشته باشد. شیخ طوسی در این باره می‌گوید:

وأما إذا كان الراوي من فرق الشيعة مثل الفطحية والواقفة والناوسية وغيرهم نظر فيما يرويه فان كان هناك قرنية تعضده أو خبر آخر من جهة الموثوقين بهم وجب العمل به وان كان هناك خبر آخر يخالفه من طريق الموثوقين وجب اطراح ما اختصوا بروايته والعمل بما رواه الثقة.

الطوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار (متوفای 460هـ)، عدة الأصول، ج 1 ص 381، تحقیق: محمد مهدي نجف، ناشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).

اگر راوی از یکی از فرقه‌های شیعه (غیر از دوازده امامی) مانند فطحیه، واقفیه، ناووسیه و غیر اینها باشد، در روایت آنها نظر می‌شود اگر قرینه‌ای که بتواند آن را تقویت کند باشد یا روایتی دیگر از ناحیه افراد مورد وثوق، در این باره بوده

باشد، عمل به آن واجب است و در صورتی که روایتی مخالف با آن از سوی افراد مورد وثوق وجود داشته باشد، باید روایات آنها را رها کرد و به روایات افراد ثقه عمل نمود.

جالب آنکه علامه حلی در خصوص روایات «حمید بن زیاد» می گوید:

فَالْوَجْهَ عِنْدِي قَبُولُ رَوَايَتِهِ إِذَا خَلَّتْ عَنِ الْمَعَارِضِ.

الحلی الأسدی، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای 726هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص 129، تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، 1417هـ.

نظر من آن است که روایات حمید بن زیاد اگر معارضي نداشته باشد قابل قبول است.

در بخش نهایی، تعارض این روایت با سایر آموزه‌های امامیه را به تفصیل می آوریم. در نتیجه؛ سند روایت فوق از این جهت مورد خدشه خواهد بود.

دوم:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع طَلَّقَ خَمْسِينَ امْرَأَةً فَقَامَ عَلِيٌّ ع بِالْكُوفَةِ فَقَالَ يَا مَعَاشِرَ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَا تُنْكِحُوا الْحَسَنَ فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطَلَّقٌ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ بَلَى وَاللَّهِ لَنُنْكِحَنَّهُ فَإِنَّهُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَابْنُ فَاطِمَةَ ع فَإِنْ أَعْجَبْتَهُ أَمْسَكَ وَإِنْ كَرِهَ طَلَّقَ.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الکافی، ج 6 ص 56، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ. ش.

امام صادق علیه السلام فرمود: امام حسن علیه السلام پنجاه زن طلاق داد امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه فرمود: ای مردم کوفه به فرزندانم حسن زن ندهید او زیاد طلاق می دهد. مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: آری، به خدا قسم ما به حسن زن می‌دهیم، همانا او فرزند پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله و فاطمه علیها السلام است اگر بخواید نگه میدارد و اگر نخواهد طلاق می‌دهد.

یکی از راویان این روایت «یحیی بن ابی العلاء الرازی» است. به گفته‌ی آیت الله خویی او فردی مجهول الحال است. ایشان می نویسد:

یحیی بن ابی العلاء الرازی لم یرد فیہ توثیق.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای 1411هـ)، معجم رجال الحدیث، ج 21 ص 27، الطبعة الخامسة، 1413هـ - 1992م

درباره یحیی بن ابی العلاء رازی توثیقی وارد نشده است.

علامه مجلسی هم ذیل روایت می نویسد: الحدیث الخامس: مجهول.

مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج 21، ص: 96، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1404 هـ. ق.

بنابراین؛ روایت فوق نیز غیر قابل استناد است.

سوم:

أحمد بن محمد بن خالد البرقي عن ابن محبوب عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أتى رجل أمير المؤمنين علياً عليه السلام فقال له جئتك مستشيراً أن الحسن عليه السلام والحسين عليه السلام وعبد الله بن جعفر خطبوا

إِلَى فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ مِطْلَاقٌ لِلنِّسَاءِ وَ لَكِنَّ زَوْجَهَا الْحُسَيْنَ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لِابْنَتِكَ.

البرقي، أحمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ٢ ص ٦٠١، التحقيق: السيد جلال الدين الحسيني المشتهر بالمحدث، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران

امام صادق عليه السلام فرمود: مردی به حضور امیر مؤمنان علیه السلام رسید و گفت: حسن و حسین و عبد الله ابن جعفر از دختر من خواستگاری کردند، اکنون با تو مشورت میکنم که کدام از ایشان را بپذیرم؟ حضرت امیر فرمود: شخصی که مورد مشورت قرار می‌گیرد امین است. اما فرزندانم حسن زیاد زن طلاق می‌دهد. دخترت را به فرزندم حسین بده. این کار برای دخترت خیر است.

سلسله روایان این روایت همگی مورد پذیرش‌اند. بنابراین سند روایا خالی از اشکال است.

چهارم:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الْكُوفَةِ لَا تَزُوجُوا حَسَنًا فَإِنَّهُ رَجُلٌ مِطْلَاقٌ.

المغربي، القاضي النعمان (متوفای 363هـ)، دعائم الإسلام، ج 2، ص: 258، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، ناشر: دار المعارف - القاهرة، سال چاپ: 1383 - 1963 م

امام باقر علیه السلام فرمود: علی علیه السلام به مردم کوفه اعلان نمود: به فرزندم حسن زن ندهید همانا او زیاد زن طلاق می‌دهد.

همانطور که ملاحظه می‌کنید این روایت به صورت مرسل و بدون سند در کتاب «دعائم الإسلام» ثبت گشته است به همین دلیل قابل اعتناء نیست.

بر پایه آنچه گذشت دانستیم که از میان چهار روایت در منابع امامیه، روایت نخست از اصول کافی از طریق روایان واقفی مذهب و مورد وثوق بوده و چون مبتلا به معارض است، غیر قابل قبول است. در روایت دوم از کلینی «یحیی بن ابی العلاء» بود که فردی مجهول است. روایت کتاب دعائم الاسلام نیز مرسل و فاقد اعتبار است. در این میان تنها روایت محاسن از نظر سند بدون اشکال است.

بررسی محتوا

قبل از بررسی متن روایات شایسته است به نگاه مرحوم کلینی به این روایات توجه شود. ایشان هر دو روایت مربوط به امام مجتبی علیه السلام را در «بَابُ تَطْلِيقِ الْمَرْأَةِ غَيْرِ الْمُوَافِقَةِ» (باب طلاق دادن همسران ناسازگار) از کتاب کافی می‌آورد. در حالی که روایاتی را که دلالت بر مبغوضیت طلاق می‌کند را ذیل «بَابُ كَرَاهِيَةِ طَلَاقِ الزَّوْجَةِ الْمُوَافِقَةِ» (باب کراهت طلاق دادن همسران سازگار) جای می‌دهد. با دقت در عنوان دو باب، می‌توان گفت که مرحوم کلینی از مطلق بودن امام حسن علیه السلام تلقی منفی نداشته است و درخواست طلاق را از جانب زنان می‌داند.

حال در ادامه روایات چهارگانه پیشین، را از نظر محتوا با محوریت بررسی واژه «مطلق» در این نقلها مورد بررسی قرار می‌دهیم:

به طور کلی مطلق بودن امام مجتبی علیه السلام آنگونه که در این روایات بیان گردید، یا نعوذ بالله نشان از زن بارگی و تنوع طلبی آن حضرت بود یا آنکه مطلب از قرار دیگر است و ریشه مسأله را باید در چیز دیگری جست. در صورت دوم دیگر خرده‌ای بر امام علیه السلام نیست.

دلایل و قرائنی که در ذیل بیان می‌گردد، ثابت می‌کند به طور قطع، مقصود از «مطلق» در این روایات، «زن بارگی، شهوت

پرستی و تنوع طلبی جنسی» نیست.

یکم: عصمت امام مجتبی علیه السلام: اولین دلیلی که از مقصود امیر مؤمنان علیه السلام پرده بر می دارد، عصمت امام حسن علیه السلام است؛ امام علی علیه السلام می دانند که امام حسن علیه السلام بر اساس آیه تطهیر معصوم است و مرتکب عمل منکر [اعم از حرام، مکروه و منکر اخلاقی] نمی شوند و حتی ترک اولی [ترک کار بهتر] نیز از ایشان سر نمی زند پس نقص در وجود چنین شخصی به هیچ عنوان راه ندارد؛ با این اوصاف چگونه ممکن است امیر مؤمنان علیه السلام با این واژه [مطلق] قصد نکوهش ایشان را داشته باشد و بخواهد فرد معصوم را تنقیص نماید. از این رو علامه مجلسی در شرح این روایات چنین می فرماید:

ولعل غرضه علیه السلام کان استعلام حالهم ومراتب إيمانهم لا الإنكار علی ولده المعصوم المؤید من الحي القيوم.

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج 21، ص: 96، ناشر: دار الکتب الإسلامية - تهران، الطبعة: الثانية، 1404هـ - 1263ش.

چه بسا هدف امیر مؤمنان علیه السلام امتحان مردم و به دست آوردن مراتب آنان [و پابندی شان به امام معصوم علیه السلام] بود نه اینکه بخواهند فرزند معصوم شان را که از جانب خداوند تائید شده است، زیر سؤال ببرند.

دوم: بر اساس دو روایت مرحوم کلینی، بعد از آنکه امام علی علیه السلام اهالی کوفه را از ازدواج با فرزندش بر حذر داشت برخی از حاضران، ازدواج با حسن بن علی علیهما السلام را وسیله ای برای انتساب به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و کسب شرافت خود دانستند.

در تاریخ ابن کثیر نیز که از علمای اهل سنت می باشد، آمده است که بعد از کلام آن حضرت مردم گفتند:

والله یا امیر المؤمنین لو خطب إلینا کل یوم لزوجناه منا من شاء ابتغاء فی صهر رسول الله صلی الله علیه وسلم.

ابن کثیر، البداية والنهاية، ج 8، ص 38، ناشر: مكتبة المعارف - بیروت.

گفتند به خدا سوگند ای امیر مؤمنان اگر [امام] حسن [علیه السلام] هر روز از دختران ما خواستگاری کند، هر کسی را بخواهد به ازدواج او در می آوریم زیرا می خواهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله دامادمان باشد.

مطابق این روایات، امام علی علیه السلام سکوت کرد و مخالفت ننمود و سخن گوینده گان را به گونه ای [=تقریر] تایید نمود. زیرا اگر این امر [طلاق دادن امام مجتبی علیه السلام] امری منفی و منکر بود، قطعاً باید امیر مؤمنان علیه السلام موضع منفی می گرفتند و با گفته آنان مخالفت می کردند. بنابراین از آنجایی که تقریر امام علیه السلام از نظر علمای شیعه حجت است، قطعاً می فهمیم کار امام حسن علیه السلام کاملاً صحیح بوده و مقصود امام علی علیه السلام از این عمل تنقیص امام مجتبی علیه السلام نبوده است. جالب آنکه مطابق نقل غزالی که از علمای اهل سنت است، امیر مؤمنان علیه السلام گوینده این سخن را تحسین نمود. وی می نویسد:

... قام رجل من همدان فقال والله یا امیر المؤمنین لننکحنه ما شاء فإن أحب امسک وإن شاء ترک فسر ذلك علیا وقال: لو كنت بوابا علی باب جنة لقلت لهمدان ادخلي بسلام.

محمد بن محمد الغزالی أبو حامد الوفاة: 505، إحياء علوم الدين، ج 2، ص 56، دار النشر: دار المعرفة - بیروت.

پس از سخنان امام علی علیه السلام) مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: ما به حسن زن میدهیم اگر بخواهد نکه می دارد و اگر نخواهد طلاق رها می کند. این سخن، علی علیه السلام را شادمان کرد و گفت: اگر دربان بهشت بودم به قبیله همدان می گفتم وارد بهشت شوید.

با توجه به این مطلب؛ می توان گفت قطعاً هدف امیر مؤمنان علی علیه السلام نکوهش امام مجتبی علیه السلام نبود بلکه چه بسا آن حضرت این کار را با دو هدف انجام دادند:

۱. می خواست بفهماند ازدواجهای مکرر به خواست خود آنهاست.

۲. توطئه دشمنان مبني بر تهمت تنوع طلبی جنسی به امام مجتبی علیه السلام را خنثی سازد.

از طرفی در منابع اهل سنت روایات دیگری موجود است که همین نتیجه را ثابت می کند که درخواست ازدواج از جانب زنان و خانواده های آنها بوده است:

طبرانی که از علمای اهل سنت است، در روایتی دقیقاً به این مطلب تصریح می کند:

وعن محمد يعني ابن سيرين قال خطب الحسن بن علي إلى منصور بن سيار بن ريان الفزاري ابنته فقال والله اني لأنكحك واني لاعلم أنك علق طلق غير أنك أكرم العرب بيتا وأكرمه نسباً.

رواه الطبراني ورجاله ثقات.

علي بن أبي بكر الهيثمي الوفاة: 807 ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 4 ، ص 335 ، ناشر : دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة ، بيروت - 1407.

محمد بن سيرین می گوید: امام حسن علیه السلام از دختر منصور بن سيار خواستگاری نمود، منصور گفت: به خدا قسم؛ او را به ازدواج تو در می آورم در حالی که می دانم تو زود طلاق می دهی ولی این ازدواج به خاطر این است که تو از گرامیترین خاندان عرب و دارای با شرافترین نسب هستی.

هیثمی بعد از این روایت می گوید: روایت فوق را طبرانی نقل نموده و همه راویان آن مورد وثوق اند.

از طرفی، مطابق روایت ابن عساکر و دیگر علمای اهل تسنن، هر یک از زنان که امام مجتبی علیه السلام از آنها جدا می شد، دوستدار آن حضرت بودند:

وكان لا يفارق امرأة إلا وهي تحبه

ابن عساکر، **أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: 571 ، تاريخ مدينة دمشق، ج 13 ص 251 ، تحقيق : محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر : دار الفكر - بيروت - 1995.**

بنابراین آنان بودند که می خواستند شرافت انتساب به خاندان وحی را پیدا کنند و ازدواج با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را وسیله ای برای کسب این افتخار می دانستند، بنابراین هیچ گونه خردهای بر امام مجتبی علیه السلام نیست. حال با فرض ثبوت این روایات، شایسته است هدف امام حسن علیه السلام از این ازدواج و طلاقها، را بررسی نماییم.

هدف امام مجتبی علیه السلام از این ازدواج و طلاق

بر فرض ثبوت ازدواج های متعدد، با توجه به برخی آموزه های دینی می توان ادعا نمود چه بسا از جمله اهداف امام علیه السلام از این امر، دو هدف زیر بوده است:

۱. بر آوردن حاجات مردم نسبت به انتساب به خاندان رسالت و امامت.

۲. بی نیاز نمودن زنان از نظر اقتصادی.

هدف اول :

چنانچه گذشت، به جهت علاقه مؤمنان برای انتساب به خاندان رسالت و امامت، پیشنهاد این ازدواجها از ناحیه خانواده ها صورت می گرفت؛ همان گونه که در دو روایت کتاب «کافی» شریف و نقل کتاب «احیاء علوم الدین» غزالی و روایت طبرانی گذشت؛ بنابراین آنان بودند که می خواستند به واسطه برقراری ازدواج با فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، افتخار انتساب به خاندان رسالت و امامت را پیدا کنند. از این رو یکی از اهداف امام علیه السلام از این امر، بر آوردن حاجت آنها بود

و قطعاً هیچ غرض شهوانی در بین نبود.

هدف دوم :

هدف دیگری که می توان برای این مساله ذکر نمود، بی نیاز نمودن زنان از نظر اقتصادی بود، چنانچه در بعضی از منابع اسلامی این مطلب را به آن حضرت نسبت داده اند. راغب اصفهانی یکی از علمای اهل تسنن، در این زمینه چنین می نویسد:

فقيل له في ذلك فقال إن الله تعالى علق بهما الغنى فقال «وانكحوا الأيامى منكم والصالحين من عبادكم وإمائكم إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله» وقال «وإن يتفرقا يغن الله كلا من سعته» فأنا أتزوج للغنى وأطلق للغنى.

الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد بن المفضل، الوفاة: 502، محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء ج2، ص 220، تحقيق: عمر الطباع، ناشر: دار القلم - بيروت - 1420هـ - 1999م.

به [امام] حسن [علیه السلام] گفته شد هدف شما از این ازدواج و طلاقها چیست؟ ایشان فرمودند خداوند دو بی نیازی را مترتب بر ازدواج و طلاق نموده است، آنجا که [در قرآن پیرامون ازدواج] می فرماید: «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیازی می سازد» و در آیه ای دیگر [پیرامون طلاق] می فرماید: «اگر از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی نیازی می کند»؛ بنابراین من به خاطر بی نیازی ازدواج می کنم و به خاطر بی نیازی طلاق می دهم.

بنابراین می توان ادعا نمود چه بسا از جمله انگیزه های امام علیه السلام از این کار، هدفی فرهنگی [انتساب مردم به خاندان رسالت و امامت] و اقتصادی [بی نیاز نمودن زنان بی سرپرست] بوده است.

اکنون در این مجال قبل از بیان دلایلی که به عنوان رد این دسته از روایات مطرح است، شایسته است پیرامون متن روایت کتاب «محاسن» اندکی توضیح دهیم.

مرحوم برقی در کتاب محاسن چنین نقل می کند:

قَالَ: أَتَى رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ جِئْتُكَ مُسْتَشِيرًا أَنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ خَطَبُوا إِلَيَّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ مِطْلَاقٌ لِلنِّسَاءِ وَ لَكِنْ زَوْجَهَا الْحُسَيْنُ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لِبُنْتِكَ.

البرقي، أحمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۲ ص ۶۰۱، التحقيق: السيد جلال الدين الحسيني المشتهر بالمحدث، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران.

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به حضور امیر مؤمنان علیه السلام رسید و گفت: حسن و حسین و عبد الله ابن جعفر از دختر من خواستگاری کردند، اکنون با تو مشورت میکنم که کدام از ایشان را بپذیرم؟ حضرت امیر فرمود: شخصی که مورد مشورت قرار می گیرد امین است. اما فرزندان حسن زیاد زن طلاق می دهد. دختری را به فرزندم حسین بده. این کار برای دختری خیر است.

با توجه به مطالبی که گذشت، توضیح روایت فوق از این قرار است: امام علیه السلام از نظر شرعی نمی توانست هم زمان بیش از چهار همسر داشته باشد با این فرض امیرالمؤمنین علیه السلام به آن فرد فرمودند دختری را به ازدواج حسین علیه السلام در بیاور؛ زیرا امام علی علیه السلام می دانستند که چه بسا هدف آن مرد از ازدواج دخترش این است که همسر پسر پیامبر صلی الله علیه وآله باقی بماند و این مطلب با ازدواج با امام حسین علیه السلام میسر بود و یا اینکه امیر مؤمنان علیه السلام ایمان آن مرد را به اندازه مردان قبیلۀ همدان نمی دانستند و خوف این وجود داشت که در صورت طلاق دخترش، معرفتش نسبت به امام معصوم علیه السلام کم شود و در دینش لغزش پیدا شود، از این رو توصیه نمودند که دخترش را به ازدواج امام حسین علیه السلام در آورد.

ادله مخالفین این دسته از روایات

صرف نظر از بیان و توضیحی که پیرامون محتوای این دسته از روایات ذکر شد و در صورت عدم پذیرش توضیحات فوق، چاره‌ای جز کنار گذاردن این روایات نیست؛ زیرا:

یک: اگر تلقی فردی از واژه «مطلق»، تنوع طلبی جنسی و شهوت انی باشد، این دسته روایات با عصمت ائمه علیهم السلام در تعارض‌اند. در نظام اعتقادی امامیه، امامان علیهم السلام دارای عصمت‌اند و هیچگونه لغزشی از آنان سر نمی‌زند. حال اگر روایتی با مقوله عصمت در تعارض باشد، از نظر علمای شیعه مردود است و کنار گذاشته می‌شود همانگونه که عالمان ما در بسیاری از مسائل کلامی، فقهی و ... همین روش را بر می‌گزینند. از باب مثال شیخ طوسی روایتی را که بر سهو نمودن امام علی علیه السلام دلالت دارد، به دلیل آنکه با عصمت امام علیه السلام در تعارض است، رد می‌کند و می‌نویسد:

فَهَذَا خَبَرٌ شَادُّ مُخَالَفٍ لِلْأَخْبَارِ كُلِّهَا وَ مَا هَذَا حُكْمُهُ لَأَيَّجُوزُ الْعَمَلُ بِهِ عَلَى أَنَّ فِيهِ مَا يُبْطِلُهُ وَ هُوَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَدَّى فَرِيضَةً عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ سَاهِيًا عَنْ ذَلِكَ وَ قَدْ آمَنَّا مِنْ ذَلِكَ دَلَالَةً عِصْمَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای 460هـ)، تهذیب الأحكام، ج 3 ص 40، تحقیق: السيد حسن الموسوي الخراسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، 1365 ش.

این روایت شاذ است و با تمام احادیث دیگر مخالفت دارد و هر خبری که چنین باشد، نمی‌توان بدان عمل نمود. علاوه بر آنکه در خود روایت مطلبی است که دلالت بر بطلان آن می‌کند و آن اینکه امام علی علیه السلام نمازی را سهواً بدون وضوء انجام داده است در حالی که عصمت او مانع از پذیرش این مطلب است.

دو: این دسته روایات با احادیث مبغوضیت تنوع طلبی جنسی در تعارض‌اند. بر اساس روایتی که کلینی با سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل نموده، افرادی که به دلیل لذت طلبی جنسی، بسیار ازدواج می‌کنند و طلاق می‌دهند، مبغوض خدایند.

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُطَلَّاقَ الذَّوَّاقَ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الكافي، ج 6 ص 54، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

خداوند بر مردی که هوس باز است و مرتباً زن طلاق می‌دهد، غضب می‌کند.

هیچ فرد شیعی نمی‌پذیرد امام دوم علیه السلام مبغوض خداوند باشد.

سه: این دسته روایات با احادیث بیانگر ویژگی و نشانه‌های امامان در تعارض است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ائمه از ابتدای خلقتشان همواره مورد عنایت ویژه خداوند بوده و هیچگاه امری ناپسند دامنگیرشان نشد. کلینی با سند معتبر آورده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي خُطْبَةٍ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا حَالَ الْأَئِمَّةِ ع وَ صِفَاتِهِمْ ... لَمْ يَزَلْ مَرْعِيًّا بَعَيْنِ اللَّهِ يَحْفَظُهُ وَ يَكْلُوهُ بِسِتْرِهِ مَطْرُوداً عَنْهُ حَبَائِلُ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ ... مَعْصُومًا مِنَ الزَّلَّاتِ مَصُونًا عَنِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا ...

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای 328 هـ)، الكافي، ج 1 ص 204، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

امام صادق علیه السلام در خطبه‌ای را که پیرامون ویژگی‌های امامان علیهم السلام ایراد نمود، فرمود: ... امام همیشه زیر

نظر خدا سرپرستی و نگهبانی شده، از دامهای شیطان و لشکرش بر کنار ... از لغزشها نگهداری شده و از تمام زشتکاریها در امان است ...

امام باقر علیه السلام یکی از نشانه‌های امام را نزهت از امور بیهوده بر می‌شمارد.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عَلَامَةُ الْإِمَامِ الَّذِي بَعَدَ الْإِمَامِ فَقَالَ طَهَارَةُ الْوِلَادَةِ وَحُسْنُ الْمَنْشَأِ وَ لَا يَلَهُوْا وَ لَا يَلْعَبُوْا.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى 328 هـ)، الكافي، ج 1 ص 285، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

معاوية بن وهب گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم علامت جانشین امام چیست؟ فرمود: پاکیزگی ولادت (حلال‌زادگی)، پرورش خوب و کنار بودن از لهو و لعب.

چهار: مطابق این روایات، نکوهش امام علی علیه السلام در ملاء عام بوده است. حال مسأله از دو حال خارج نیست. نخست آنکه ابتدا و بدون آنکه فرزندش را از این عمل نهی کرده باشد، آن را در میان مردم کوفه اعلام داشت و امر منکر را به صورت علنی افشا نمود و این به معنای «اشاعه فحشا = انتشار منکرات» است که خود کاری حرام می‌باشد. چنین چیزی به هیچ وجه قابل پذیرش نیست زیرا هر کسی می‌داند که برای نهی از منکر ابتدا باید به طرف مقابل آن هم به طور خصوصی تذکر داد و بنابر اجماع شیعه، امام علیه السلام هرگز مرتکب گناه نمی‌شود. فرض دوم آن است که امام ابتدا فرزندش را از این کار نهی کرد اما او سر برتافته است؛ مخالفت امام با دستور پدر نیز کاری حرام است و برای هیچ فرد شیعی قابل پذیرش نیست که امام مجتبی علیه السلام نعوذ بالله مرتکب کار حرامی شده باشند.

پنج: بررسی تعداد فرزندان امام مجتبی علیه السلام می‌تواند شاهی بر نادرستی این مسأله باشد.

بیان مطلب این است: اگر امام حسن علیه السلام از هر یک از پنجاه همسر مطلقه که در آن روایت ضعیف‌السند کتاب «کافی» ادعا شده بود، تنها یک فرزند می‌داشت باید حداقل دارای پنجاه فرزند می‌بودند مخصوصاً با توجه به آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله به زیاد کردن فرزندان ترغیب نمود و فرمود.

تَزَوَّجُوا بِكُرًا وَلُودًا وَ لَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْاَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى 328 هـ)، الكافي، ج 5 ص 333، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

با دوشیزگانی که فرزند زیاد می‌آوردند ازدواج کنید و با زنان زیبا روی نازا ازدواج نکنید همانا من در روز رستاخیز به شما مباحثات می‌ورزم.

طبیعتاً امام مجتبی علیه السلام برای عمل به این سفارش جدش از دیگران اولی بود. حال آنکه فرزندان آن حضرت بسیار کمتر از این مقدارند. شیخ مفید در کتاب ارشاد جلد ۲ صفحه ۲۰، تعداد فرزندان آن حضرت را اعم از دختر و پسر، پانزده نفر می‌داند. مرحوم طبرسی در «إعلام الوری بأعلام الهدی»، صفحه ۲۱۴، شانزده تن می‌داند. ابن شهر آشوب در مناقب آل ابي طالب عليهم السلام جلد ۴ صفحه ۳۰، چهارده فرزند برای امام مجتبی علیه السلام معرفی می‌کند.

شش: بررسی ابعاد زندگانی امام حسن علیه السلام چهره واقعی ایشان را معرفی می‌کند. او مولود با شرافت‌ترین خاندان است. پرورش یافته بهترین انسانهاست. در اطاعت خداوند سر آمد همگان بود به حدی که هنگام وضو گرفتن حالت عجیبی پیدا می‌کرد.

كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ ارْتَعَدَتْ مَفَاصِلُهُ وَاصْفَرَ لَوْنُهُ.

ابن شهر آشوب، رشيد الدين أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفای 588هـ)، مناقب آل أبي طالب، ج 3 ص 180، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، 1376هـ - 1956م.

هر گاه وضو مي ساخت اعضايش مي لرزيد و رنگ صورتش زرد مي شد.

هرگاه نام خدا برده مي شد و به ياد روز رستاخيز افتاده و دگرگون مي شد. حال مي توان پذيرفت او فردي زن باره و لذت طلب بوده است!؟

نتیجه کلی :

روایات مربوط به مطلق بودن امام مجتبی علیه السلام در منابع اهل سنت و امامیه وجود دارد. روایات اهل سنت برای ما قابل قبول نیست. در منابع امامیه چهار روایت در این موضوع وجود دارد. در این میان سند سه روایت مبتلا به اشکال است و تنها یک سند قابل قبول وجود دارد. پاره‌ای توجیحات پیرامون محتوای این روایات ذکر گردید. اگر از این توجیحات صرف‌نظر کنیم و آنها را کنار بگذاریم، از آنجایی که این روایت با آموزه های اعتقادی شیعه همچون عصمت امام در تعارض است، این روایات قابل پذیرش نمی باشد و در نتیجه آنها را کنار می گذاریم.